

رنگ اضطراب آو و است و علت این اضطراب هایش هم همین رنگ قرمزی است که اطرافش پر کرده است، این علاقه را کنار می گذارد و می فهمد که این، مطلوب او نیست.

به دلیل این که اغلب با مادرها و خواهرها در ارتباطیم، سلیقه و نگاه پسرهارا دریافت نمی کنیم. وی افزود: در گروه محسنین که از یک سال و نیم پیش آغاز به کار کرده است، گروه بزرگی از دخترها و پسرهای مجرد که با هم کار می کردند، به مسئول گروه مراجعه می کردند و از آنها تقاضای معرفی برای ازدواج داشتند. آغاز کار به این صورت بود و بحث واسطه گری محسنین، به این صورت شروع شد، اما وقتی وارد آن شدیم، مشکلات را دیدیم و فهمیدیم آن چه در حاشیه قرار دارد، ویژگی های پسر، شخصیت او و این که چه چیزهایی هم کفو اوست، است؛ چیزی که اصلا به آن توجه نمی شود. یعنی وقتی دختر و پسر به هم معرفی می شوند، اگر پیش برود یا نرود، به بله بران برسد یا نرسد، تازه اگر پیش مشاور بروند، می فهمند به هم می خورند یا خیر. این قضیه برای من دغدغه بود و توانستم در ذهن خودم آن را بررسی کنم و با چند نفر از دوستانم هم مطرح کردم. از طرفی پای درد دل مردان هم نشنیدیم و حرف های آنها را هم نشنیدیم. ما به دلیل این که اغلب با مادرها و خواهرها در ارتباطیم، سلیقه و نگاه پسرهارا دریافت نمی کنیم. مثلا می بینیم که مادر، دختر محجبه برای پسرش می خواهد و به ما هم این مشخصات را می دهد، ولی وقتی پسر وارد خواستگاری می شود، می فهمیم که اصلا دنبال دختر محجبه نیست.

خود را در چار چوبی که آن فرد تعیین کرده است، قرار نمی دهیم

قیاسی در ادامه با تأکید بر این که واسطه گرها می توانند در اصلاح نگاه پسرها و دخترها به ازدواج موثر هستند، گفت: من به تجربه ام می گویم، به نظر من می شود نگاهها را تغییر داد. البته حتما با سستی یکسری حدود کفویت وجود داشته باشد، مثلا یک فرد روستایی که به شغل دامداری یا کشاورزی مشغول است، با یک دختر شهری شاعلی، کفویت ندارد، نه حتی برخی قومیت ها مانند کرد و ترک نمی توانند با هم سازگاری داشته باشند، ولی من بحتم این است که وقتی پای صحبت با فرد می نشینیم و دستمان می آید که این فرد به لحاظ روانشناسی چگونه است، راحت تر می توان به او برای ازدواج، مورد معرفی کرد. فردی فرم پر کرده آورده است که دختر حتما ۶ سال از من کوچکتر باشد، یا قدش از ۱۷۰ سانت نباشد، ولی من خودم را در چار چوبی که آن فرد تعیین کرده ام قرار داده ام، از طرفی بالغ بر دو ماه با هر فرد صحبت می کنم و خصوصیات اخلاقی و رفتاری او را مورد کلامی قرار می دهم و تا جایی هم که می شناسم، روی معیارها و دلایل چالشی می کنم. بعد باتوجه به این صحبت ها، به او می گویم که چه شخصیتی به دردت می خورد و آیا اصلا لازم است که همسر مورد نظرش حتما ۶ سال بزرگتر از او باشد یا نه. به نظر من پسرها اغلب دنبال زن به ساز هستند و اگر این نوع دختر که به آنها معرفی شود، از خیلی از معیارهایشان پایین می آید. با روشی که من دارم، این اتفاق می افتد. در این روش اغلب مواردی که در واسطه گری به هم معرفی می شوند، نهایت در دومین معرفی، به ازدواج ختم می شود.

ما باید بدست خود تمام دلایل موجود را بر تفع کنیم

اما بنی جمالی؛ واسطه گر دیگر ازدواج در ادامه با تشبیه واسطه گری و مقبولات اجتماعی از لحاظ پیچیدگی و چندعلتی بودن، اظهار داشت: عدم تحقیق نتیجه در واسطه گری های ما دلایل متعددی دارد. ما باید بدانیم که نمی توانیم تمام دلایل موجود را بر تفع کنیم. روش شما بیشتر در مواقعی اتفاق می افتد که شما فرد مقابل را می شناسید و افرادی هم که برای واسطه گری شان اقدام می کنید، محدودند. بهترین حالت در امر واسطه گری دقیقا همین روشی است که شما دارید. این روش، همان روشی است که باید در گذشته هم بوده و نتایج خوبی هم داشته است.

این کاری که شما می کنید کار روانشناسی و مشاوره است، نه کار واسطه گری

امیری در مخالفت با این روش گفت: این کاری که شما می کنید کار روانشناسی و مشاوره است، نه کار واسطه گری. این دو با هم تفاوت بسیاری دارند. برای واسطه گری که هزاران مشغله دارد، اصلا امکان این نوع بحث ها وجود ندارد.

برخی فرم هادر دراز مدت می توانند داتقه افراد را تغییر دهد

وی افزود: من خودم به لیست هایی که دارم، بدون شناخت، فردی را اضافه نمی کنم. حتما باید فرد مورد نظر را بشناسم، دختر و پسر را می شناسم. حتی سعی می کنم با دختر دوست شوم و با او صحبت کنم تا بیشتر او را بشناسم. به نظر من نباید بی دلیل افسردا به هم معرفی کرد. این روش وقت گیر و ولی نتیجه بخش است. این واسطه گر ازدواج با اشاره به فرم هایی که توسط واسطه گرها تکمیل می شود و صرفا به مشخصات ظاهری افراد می پردازد، گفت: برخی فرم ها در دراز مدت می تواند ذائقه افراد را تغییر دهد. مثلا این که می پرسد رنگ چشم فرد مقابل چه باشد؟ شاید تا قبل از این بسیاری از افراد اصلا به این فاکتور فکر نکرده باشند، ولی وقتی ذکر می شود، در مورد آن فکر می کنند و به مرور تغییر ذائقه حاصل می شود. با این روش هم به طور پیوسته معیارهای پسرها بالاتر می رود و دخترها کوتاه می آیند.

آنها واسطه گر ازدواج هستند، یا بازار یاب کالا؟ تمام آنچه از آرزوهای پسرها و دخترها نمی دانیم



... یعنی به صرف وجود فرد در س کوته دختر می روند، کاملا دست خالی می روند و این خیلی بد است؛ این گونه خانواده پسر احساس می کنند همه چیز برایشان مفت تمام می شود.

از پسر هادی پسر می خواهند دختر شبیه کن-الان و در ۴۹ سالگی به این نتیجه رسیده است، که دیگر برایش فرق نمی کند با چه کسی ازدواج کند

پدر و مادر دختر لهجه نداشته باشند!

میرمرعشی در تأیید این اظهارات گفت: پیش آمده فردی به من رنگ زده که شغل پدرش کارمند خیلی ساده است، ولی تأکید می کنند دختری می خواهیم که لر و کرد و ترک نباشند، شغل پدرش راننده نباشد، ظاهر دختر هم فلا ن باشد، پسر و مادرش لهجه نداشته باشند و... من چنین موردی می شناسم، ولی می دانم این پسر مثلا در افسریه زندگی می کند و آن دختر ساعات آباد و اینها اصلا به هم نمی خورند، ولی خانواده پسرها را با بور ندارند؛ می روند و جواب منفی می شنوند و در نهایت رنگ می زنند به من و می گویند چقدر

سطح دختر داشته باشد! پسر هاجتی دست خالی خانه دختر می روند امیری با تأکید بر این که واسطه ها بیستی این کفویت خانواده را بسنجند و بعد دختر و پسر را به یکدیگر معرفی کنند، خاطر نشان کرد: یکی از اتفاقات ناخوشایندی که در سال های اخیر زیاد شده،

نرسیدند و مورد ارزیابی قرار می دهم و اگر لازم بود، مورد بعدی را معرفی خواهم کرد. اوایی که کارم را در سطح گسترده آغاز کرده بودم برای راحتی کار خودم، گاهی به خانواده پسر، تا ۱۵ دختر معرفی می کردم، ولی همه بی نتیجه می ماند، اما دیگر این کار را نمی کنم؛ چرا که خانواده پسرها را بدعات و متوهم می کند. پیش آمده که حتی خانواده پسر به من گفته اند که ما در هفته ۴-۳ جامر اجمعه و دخترها را با هم مقایسه می کنیم. این اصلا رفتار خوبی نیست

بنی جمالی در ادامه با بیان این که تعداد مادرهایی که در تلاش هستند تا برای پسرهایشان همسر پیدا کنند، زیاد نیست و اغلب پسرها یا خودشان دنبال دختر هستند یا اصلا قصد ازدواج ندارند، اظهار داشت: من معمولا افراد را تعیین شخصیت می کنم، علل رد کردن آنها را می پرسم و بعد از این ارزیابی ها، مورد بعدی را معرفی می کنم. ما در جامعه ما خانواده پسرها به راحتی تصور می کنند آسمان باز شده و پسر آنها زائل شده است.

این واسطه گر ازدواج ادامه داد: این اتفاق در تمام طول تاریخ رخ داده و اصلا هم شاید غیرعادی به نظر نرسد. الان هم پسرها به نوعی متعصبانه، شیوه ها و برایشان فراوان است و در هر خانه ای را که بزینم، کلی دختر دم بخت برایشان نشسته است. در جامعه ما خانواده پسرها به راحتی تصور می کنند آسمان باز شده و پسر آنها زائل شده است.

خانواده پسر به من گفته اند که ما در هفته ۴-۳ جامر اجمعه و دخترها را با هم مقایسه می کنیم امیری در تأیید سخنان بنی جمالی اظهار داشت: من به هر پسر ی که دختری معرفی می کنم، پشت بر که پسر می نویسم که به او چه افرادی را معرفی کرده ام. زیاد هم معرفی نمی کنم که پسر بعد از چند وقت احساس نکند و فور دختر است. ابتدای کار، تاد مورد معرفی می کنم و بعد اگر به نتیجه نرسد، از خانواده پسر پیگیری می کنم که چرا به نتیجه

در جامعه ما مرد هر چه که باشد دختر برایش پیدا می شود

بنی جمالی با بیان این که ما در جامعه ای زندگی می کنیم که به نوعی دچار توهم است، تشریح کرد: من همکار مردی دارم که کمی مشکل ذهنی دارد، باقی کوتاه و آسپیدیدگی چهره. این آقا از دواج کرده و فرزند هم دارد. یکی از فرزندان این آقا، پسر است که به نوعی عقب ماندگی دارد و این نقض در ظاهرش هم کاملا مشهود است، اما با این شرایط این پسر از دواج کرده و الان هم سه فرزند دارد. مساله این است که در جامعه ما مرد هر چه که باشد، دختر برایش پیدا می شود، ولی دختر اگر کوچکترین مشکلی داشته باشد، نمی تواند از دواج کند.

پسرها معتمدند در خانه ای را بزیند کلی دختر دم بخت برایشان نشسته است.

این واسطه گر ازدواج ادامه داد: این اتفاق در تمام طول تاریخ رخ داده و اصلا هم شاید غیرعادی به نظر نرسد. الان هم پسرها به نوعی متعصبانه، شیوه ها و برایشان فراوان است و در هر خانه ای را که بزینم، کلی دختر دم بخت برایشان نشسته است. در جامعه ما خانواده پسرها به راحتی تصور می کنند آسمان باز شده و پسر آنها زائل شده است.

این واسطه گر ازدواج ادامه داد: این اتفاق در تمام طول تاریخ رخ داده و اصلا هم شاید غیرعادی به نظر نرسد. الان هم پسرها به نوعی متعصبانه، شیوه ها و برایشان فراوان است و در هر خانه ای را که بزینم، کلی دختر دم بخت برایشان نشسته است. در جامعه ما خانواده پسرها به راحتی تصور می کنند آسمان باز شده و پسر آنها زائل شده است.

به دنبال واسطه ها!

بالاخره از زیاب همسر چه کسی است؟

کانون های واسطه در جوامع غیر سنتی الف- دانشگاه یکی از مراکز و کانون های مهم همسر یابی در جوامع غیر سنتی، دانشگاه است. نظام دانشگاهی در سطحی تری از کشورها، به لحاظ جنسی تفکیک نشده است و دانشجو یان دختر و پسر در کنار هم به تحصیلات دانشگاهی خویش ادامه می دهند از آن جا که افراد در دانشگاه از روابط نسبتا منطقی تری برخوردارند، توافق و اقدام در برخی موارد برای ازدواج و شکل دهی حیات خانوادگی، با آسیب کمتری مواجه است. آشنایی دراز مدت در دوره تحصیل در هر مقطع تحصیلات دانشگاهی، موجب می شود دوطرف شناختی نسبی از تمایلات، عواطف و دل بستگی های همدگر پیدا کنند. این امر کمک می کند تا نسبتا با شناخت بهتری اقدام به ازدواج کنند. پیچیده شدن حیات اجتماعی، شهرنشینی، بالا رفتن میزان سواد و تحصیلات زنان و صنعتی شدن زندگی باعث شده بسیاری از مرز بندی های رفتاری میان زنان و والدین در فرآیند ازدواج پسر و دختر تا حد یک مشاور، تقلیل یافته است.

ب- کانون های تجاری

در میان جوامع غربی نگاه های رایجی است و وساطت یکی از رایج ترین شیوه های وساطت در ازدواج هستند. آنها ابتدا افراد و اعضای را به عضویت می گیرند و بعد معلومات و اطلاعات مربوط به این افراد را در یک شبکه رایجی انتقال می کنند که از طریق آن افراد در ازدواج، در جامعه غیر سنتی، می توانند به یک حرفه و پیشه اجتماعی تبدیل شود.

وساطت و همسر یابی همانند سایر پدیده های اجتماعی دایم در حال دگرگونی و تغییر است. هر روز به موازات تنوع و گستردگی حیات اجتماعی انسان ها و تسهیل ارتباطات میان انسانی در سطوح مختلف، شیوه ها و الگوهای همسر یابی جدید تری به وجود می آید. الگوهای قدیمی رفته رفته کارآیی و کارآمدی خویش را از دست می دهند و الگوهای نوین، مطابق با اقتضائات جدید جایگزین الگوها و مدل های قدیمی تری می شوند.

الگوی وساطت در ازدواج در هر جامعه ای شکل خاصی دارد. در واقع نمی توان برای واسطه گری در ازدواج یک روش مشخص پیشنهاد کرد. این روش ها بسته به محیطی که در آن زندگی می کنید، متفاوت است.

وساطت در جوامع سنتی

جامعه سنتی، جامعه بسته است. بنابراین اغلب تعامل های اجتماعی با تفکیک جنسیت در شبکه ای از روابط بسته صورت می گیرد. همچنین در جامعه سنتی، از دواج در ابتدا بر اساس معیارهای روابط جنسی تعریف می شود، بنابراین اقدام برای ازدواج چه به صورت فردی و چه با واسطه باید به شیوه بسیار لطیف، توأم با شئونت و آداب اجتماعی صورت گیرد. بنابراین، وساطت در جوامع سنتی یکی از رایج ترین شکل همسر یابی است. در جامعه سنتی افراد به صورت سلیقه ای اقدام به وساطت می کنند.

وساطت در ازدواج را یک امر انسان دوستانه تلقی کرده و بر مبنای همکاری و همنوایی اجتماعی اقدام به وساطت می کنند. آنها هیچ گاه به وساطت به معنای یک حرفه و شغل نگاه نمی کنند و هرگز انتظار ندارند که از طریق میانجی واقع شدن در ازدواج امر معاش کنند. بر همین اساس است که برای واسطه ها غالبا

این روزها با بالا رفتن سن ازدواج دخترها و پسرها، دغدغه شدن ازدواج برای خانواده ها و سختی آشنایی طرفین برای ازدواج، علاوه بر روش های دولتی و طرح های حکومتی که برای ازدواج جوانان ارائه می شود، بازار کسب و کار واسطه گری های ازدواج که به صورت کاملا مردمی و خودجوش فعالیت می کنند، داغ شده است. آنهایی که از گذشته به این کار مبادرت می کردند، این روزها دفترهایشان مملو از اسم دخترها و گاهی پسرهاست و تلفن هایشان مدام زنگ می خورد و طرفین را برای ازدواج به یکدیگر معرفی می کنند. جوان ترها هم در این چند سال اخیر و با مساله شدن امر ازدواج در میان جوانان، وارد گود واسطه گری شده اند و کار خود را شاید با روشی متفاوت تر انجام می دهند. اما این که چه ملاک هایی در ازدواج برای دخترها و پسرها و خانواده هایشان مهم است؟ میزان استقبال و میل دخترها و پسرها به این روش انتخاب همسر چگونه است؟ واسطه گری ها از چه روش هایی برای معرفی طرفین به یکدیگر استفاده می کنند؟ چه شاخصه هایی از دختر و پسر را مورد بررسی قرار داده و آنها را با یکدیگر هماهنگ می کنند؟ و مواردی از این دست، سوالاتی است که پاسخ به آنها را در نتستی که به همت پایگاه تحلیلی- خبری مهر خانه و با حضور چند واسطه گر ازدواج بر گزار شد، می توانیم بیابیم.

در ابتدای این نشست انوشه میرمرعشی؛ واسطه گر جوان که حدود چهار سال است به امر واسطه گری ازدواج می پردازد، در خصوص نحوه شروع کار خود گفت: من خیلی اتفاقی و به صورت کاملا شخصی کار واسطه گری را آغاز کردم. کم کم کارم گسترش پیدا کرد و ساعات مشخصی را برای مراجعان و تماس معین کردم. الان چهار سال است که مشغول به فعالیت هستم، اما متاسفانه در این مدت زمان، کمتر ۱۰ مورد از معرفی هایی که صورت داده ام، به ازدواج منجر شده است.

بنی جمالی؛ واسطه گر دیگر حاضر در این نشست در خصوص روش کار خود، اظهار داشت: من هم فعالیت واسطه گری ام را شخصی پیگیری می کنم و از بعد از دواج هم به همراه همسرم کار را پیش می برم. تعداد افرادی که تا کنون توانسته ام به وصلت یکدیگر برسانم خیلی زیاد نیستند.

واسطه گری برای ۶۰۰ دختر و تعداد خیلی کمتری پسر

امیری نیز که سابقه بیشتری نسبت به باقی واسطه گرای حاضر در این نشست در امر واسطه گری دارد، در خصوص خود و نحوه فعالیتش گفت: من از سال ۵۹ که از دواج کردم، وارد این کار شدم. این زمان دوستان همسرم را به دخترهایی که در اقوام و دوستان می شناختم معرفی می کردم. خیلی ها هم به وصل منجر شد و ما به خوشحالی ما بود. بعد از آن کم کم آشنایان خودشان با من تماس می گرفتند و من هم پیگیری می کردم. بعد از مدتی دفترچه ای برای دخترها و دفترچه ای برای پسرها تهیه کردم و آنها را با هم منطبق می کردم در عین حال هم شاعلی بودم و وقت کم نبود و میدادند و ولی گذاشته ام. تلاش خودم را می کردم. اخیرا به شدت در خواست ها زیاد شده است. الان حدود ۶۰۰ دختر دارم و تعداد خیلی کمتری پسر. در فضای مجازی هم گروه واسطه گری دارم.

واسطه گر مرد در ترغیب پسر ها به ازدواج کمک کنند با است

سپس بنی جمالی با بیان این که وجود یک واسطه گر مرد در ترغیب پسرها به ازدواج کمک کننده است، ادامه داد: بخواهیم یا نخواهیم متاسفانه در جامعه ای زندگی می کنیم که میل به ازدواج در مردان بسیار پایین است. چند وقت قبل هم بخش هایی از یک گزارش شوه منجرانه چند ای متولی مانند بزه پستی، وزارت ورزش و جوانان و... منتشر شده بود که نشان می داد میل به ازدواج در مردان ایرانی به شدت کاهش یافته و تمام چیزهایی که به عنوان مانع ازدواج گفته می شود، برای سرپوش گذاشتن بر این کاهش میل است.

وی ادامه داد: زنان در هر نقطه دنیا آرزوی ازدواج دارند، ولی مردان متفاوت هستند. به نظر دیدن ازدواج دیگران می تواند ایجاد کننده میل به ازدواج باشد. این که خیلی ها تمایلی به ازدواج ندارند، برای آن است که اطرافیان آنها هم ازدواج نمی کنند؛ به نظر می رسد که ازدواج نکردن اصلا باید نبینند؛ در حالی که در گذشته اگر مردی ازدواج نمی کرد، هوشش زیر سوال بود. به هر حال با این اوصاف در کار ما تعداد مواردی که به وصلت می انجامد، محدود شده، ولی باز هم همین میزان کم غنیمت است و می تواند برای تشویق به ازدواج در سایرین مثر تمر باشد.

در طول یک سال ۶۰۰ دختر به یک پسر معرفی کردم

میرمرعشی در ادامه نشست با بیان این که در این چهار سال صرفا با خانواده پسرها ارتباط داشته است، گفت: در این مدت شاهد بودم که حتی در طول یک سال، ۶۰۰ مورد دختر به یک خانواده پسر معرفی می کردم و این تنها به خواستگاری این ۶۰۰ دختر می رفتند. اغلب این خانواده ها در ابتدا بسیار سختگیرند و شرایط ویژه ای بدون در نظر گرفتن وضع خودشان از دختر انتظار داشتند. اما بعد از یک سال که به خواستگاری های متعدد می روند و بعد از توضیحات و صحبت هایی که در این مدت با آنها دارم، خانواده ها از آن قلمی که در ابتدا به آن فکر می کردند، پایین می آیند. به نظر من اگر واسطه گری که به گونه ای عمل کنند که این تغییر نگاه و رویکرد برای خانواده پسرها حاصل شود، خانواده پسرها حد خود را بفهمند و بدانند که باید زن زندگی برای پسرشان انتخاب کنند نه عروسک، معتنم و نقطه امید است.